



## «حلقات»

# درس صدوسی و سوم

استاد: حجت الاسلام والمسلمین علم الهدی

آموزشیار: آقای پیشوایی

بحث ما در باره اجماع به عنوان دومین وسیله اثبات وجدانی دلیل شرعی بود . در درس گذشته، مبانی حجیت اجماع را بررسی کردیم و گفتیم که برای حجیت اجماع چهار مبنا ادعا شده است که عبارتند از: عقلی، شرعی، واقع و عادت. در میان این مبانی، شهید صدر(ره) مانند مشهور متأخرین مبانی چهارم را پذیرفتند. اما بین شهید صدر(ره) و مشهور اصولیون متاخر در باره نحوه کاشفیت اجماع از دلیل شرعی اختلاف وجود دارد. در این درس به بررسی نحوه کاشفیت اجماع بر مبنای عادت می پردازیم و در این راستا نظر مشهور و مصنف را بررسی می نماییم.

و قد قسم الأصوليون الملازمة - كما نلاحظ في الكفاية و غيرها - إلى ثلاثة أقسام، ثم بحثوا عن تحقق أى واحد منها بين الإجماع و الدليل الشرعى، و هى الملازمة العقلية و العادية و الاتفاقية، و مثلوا للأولى بالملازمة بين تواتر الخبر و صدقه، و للثانية بالملازمة بين اتفاق آراء المرءوسين على شىء و رأى رئيسهم، و للثالثة بالملازمة بين الخبر المستفيض و صدقه.

و التحقيق ان الملازمة دائماً عقلية و التقسيم الثلاثى لها مرده فى الحقيقة إلى تقسيم الملزوم لا الملازمة، فان الملزوم إذا كان ذات الشىء مهما كانت ظروفه و أحواله سميت الملازمة عقلية كالملازمة بين النار و الحرارة، و إذا كان الملزوم الشىء المنوط بظروف متواجدة فيه غالباً و عادة سميت الملازمة عادية، و إذا كان الملزوم الشىء المنوط بظروف قد يتفق وجودها فالملازمة اتفاقية.

و الصحيح انه لا ملازمة بين التواتر و ثبوت القضية فضلاً عن الإجماع، و هذا لا ينفى اننا نعلم بالقضية القائلة (كل قضية ثبت تواترها فهى ثابتة) لأن العلم بان المحمول لا ينفك عن الموضوع غير العلم بأنه لا يمكن ان ينفك عنه، و التلازم يعنى الثانى و ما نعلمه هو الأول على أساس تراكم القيم الاحتمالية و زوال الاحتمال المخالف لضالته لا لقيام برهان على امتناع محتمله عقلاً.

## نحوه کاشفیت اجماع

گفتیم که شهید صدر (ره) مانند مشهور اصولیون متأخر، اجماع را کاشف عادی از وجود دلیل شرعی می داند، اما در باره نحوه کاشفیت آن با م شهور اختلاف نظر دارد. شهید صدر (ره) دلیل کاشفیت اجماع را مانند تواتر از باب حساب احتمالات می داند؛ بخلاف مشهور که آن را از باب قیاس عقلی یقینی می دانند.

شهید صدر (ره) برای شروع این بحث ابتدا به این سوال می پردازد که آیا بین اجماع و دلیل شرعی ملازمه ای وجود دارد؟ به این معنا که هرگاه بر حکمی اجماع قائم شد آیا بین اجماع و دلیل شرعی ملازمه هست یا خیر؟ و اگر ملازمه وجود داشته باشد چگونه ملازمه ای است؟

مشهور قائل به وجود ملازمه هستند، و ملازمه را عقلی می دانند. اما شهید صدر (ره) ملازمه عقلی را نمی پذیرد و ادله مشهور را نقد می کند.

## انواع ملازمه

در کتب اصولی مانند کفایه و دیگر کتب انواع ملازمه را سه قسم دانسته اند. که عبارتند از:

۱. **ملازمه عقلی** : جایی که عقل، حکم به همراهی دو شیء می نماید؛ مثلاً عقلاً بین نقاتر و صدق خبر ملازمه وجود دارد و هیچ گاه تواتر از صدق جدا نمی گردد.

۲. **ملازمه عادی** : وقتی که بین دو چیز عادتاً همراهی و تلازم باشد، مثلاً بین آراء مرئوسین و رأی رئیس عادتاً ملازمه وجود دارد. هرگاه در بین افراد یک مجموعه در مورد امری (مثلاً فلان روز تعطیل است) اتفاق نظر وجود داشته باشد عادتاً معلوم می شود که حتماً به دستور رئیس آن مجموعه بوده است.

۳. **ملازمه اتفاقی** : هرگاه بین دو چیز تلازم و همراهی اتفاقی باشد، مثل استفاضه خبر و صدق خبر. گاهی اوقات استفاضه با صدق خبر همراه و ملازم است و گاهی هم این تلازم وجود ندارد.

**خبر مستفیض :** خبری که مخبرین متعدد داشته باشد اما کثرت آن به حد تواتر نرسیده باشد . عده ای حداقل آن را دو و عده ای دیگر سه خبر دانسته اند.

## اشکال به نظر مشهور

شهید صدر(ره) به تفسیر بندی مشهور اشکال می کنند . و می فرمایند که ما غیر از ملازمه عقلی ملازمه ای نداریم؛ چرا که اولاً : ملازمه به معنای امتناع انفکاک است و ثانیاً : بعضی از احکام مانند بحث امکان و وجوب و امتناع از احکام خاصه عقل هستند. بنابراین وقتی که حاکم در بحث امکان و امتناع تنها عقل است، لذا هرگاه بین دو شیء انفکاک ممکن نباشد، به حکم عقل ملازمه دائمیه برقرار است.

**سوال:** پس سه قسم ملازمه به چه معناست؟

## پاسخ شهید صدر(ره) :

این سه قسم مربوط به ملزوم ( سبب ) است نه ملازمه؛

شیئی که ملزوم است اگر بذاته سبب باشد در نتیجه ، همراهی آن با مسبب همیشگی است و تلازم آن دو را عقلی می نامند.

اگر شیء بذاته سبب نباشد ، بلکه با شرایطی سبب باشد ، با توجه به شرایط ، تلازم آن فرق می کند . اگر شیء با شرایط عادی ملزوم واقع شود ملازمه عادی است. و اگر شیء با شرایط اتفاقی سبب باشد تلازم هم اتفاقی خواهد بود.

هرگاه شرایط وجود داشته باشد حتما تلازم برقرار است. به این صورت که اگر یک شیء شرایط اتفاقی را با خود داشت امتناع انفکاک، یقینی است؛ چون شرایط تام است و عقل حکم به عدم انفکاک می کند. . بله اگر در این صورت اتفاقا شرایط نبود انفکاک یقینی می باشد؛ چرا که تلازم در واقع بسته به شرایط است.

## تلازم در تواتر

آیا در تواتر آن گونه که مشهور ادعا داشت تلازم، عقلی است؟ شهید صدر(ره) این تلازم را نمی پذیرد.

## دو نکته

۱. ملازمه به معنای حکم عقل به امتناع انفکاک است. در نتیجه بای اثبات کنیم که بین دو شیء انفکاک امکان ندارد تا بتوانیم مدعی بشویم ملازمه عقلی است.

۲. اگر ملازمه حکم عقلی باشد، باید به شکل قاعده عقلی مطرح شود، به طوری که استثنای آن محال باشد. نه اینکه امکان داشقباشد ولی در خارج یقین داشته باشیم که وجود ندارد؛ مانند دریایی از جیوه که یقین داریم وجود ندارد اما وجود داشتنش محال نیست. پس دریایی از جیوه ممتنع الوجود نیست هر چند متیقن العدم است.

مبنای شهید صدر(ره) در بحث تواتر، حساب احتمالات بود نه قیاس عقلی. مفاد حساب احتمالات این است که صدق از تواتر منفک نمی شود و احتمال کذب به حدی ضعیف است که ذهن انسان نمی تواند به آن توجه کند. پس عدم صدق محال نیست و هنوز امکان عقلی دارد. لکن مشهور با یک قیاس عقلی تواتر را موجب قطع دانستند. در نتیجه عقل با برهان اثبات می کرد که این انفکاک امکان ندارد. در نتیجه تلازم عقلی بود. اما شهید صدر بر خلاف مشهور این قیاس را رد کرده و فرمودند که فقط با حساب احتمالات می توان گفت که تواتر موجب قطع می شود. در نتیجه ما فقط می توانیم بگوییم این قضیه در صورت تواتر، صادق است نه اینکه امکان کذب ندارد. پس تلازم تواتر با صدق، عقلی نیست.

## تلازم در اجماع

وقتی که تلازم در تواتر غیر عقلی است در اجماع هم یقیناً این تلازم عقلی نخواهد بود . چرا که اجماع و تواتر هر دو با اخبار کثیرین می خواهند شخص را به یقین برسانند. در تواتر این شرایط بهتر است. چرا که اخبار در تواتر حسی هستند؛ در نتیجه حصول یقین برای مستمع بسیار آسانتر است، اما در اجماع، اخبار حدسی هستند و مفاد روایت را بر اساس اجماع فقها حدس می زنیم.

۱. مشهور اصولیون نحوه کاشفیت را در تواتر و اجماع، قیاس عقلی می دانند ولی شهید صدر(ره) نحوه کاشفیت آن دو را از باب حساب احتمالات می دانند.
۲. تلازم دو امر سه گونه می تواند باشد. که عبارتند از: تلازم عقلی، تلازم عادی و تلازم اتفاقی.
۳. اگر دو شیء به خاطر ذاتشان با هم تلازم داشته باشند تلازم آن ها عقلی است. این تلازم همیشگی و انفکاک آنها ممتنع خواهد بود.
۴. اگر دو شیء نه به خاطر ذات بلکه به واسطه شرایط با هم همراه باشند تلازم آن ها غیرعقلی می باشد. اگر این شرایط عادی باشند تلازم آن ها عادی و اگر این شرایط اتفاقی باشد تلازم آنها اتفاقی خواهد بود.
۵. شهید صدر(ره) حاکم در تلازم را فقط عقل می داند و انواع گفته شده را نه انواع تلازم، که انواع ملزوم می داند.
۶. شهید صدر(ره) نحوه کاشفیت در تواتر را بر اساس محاسبه احتمالات می داند؛ بـخلاف مشهور که آن را قیاسی می دانند.
۷. اگر شیوه کاشفیت در تواتر به شیوه محاسبه احتمالات باشد دیگر تلازم عقلی نخواهد بود. چرا که در این روش، ذهن احتمال عدم صدق را محال نمی داند بلکه احتمال آن را بسیار ضعیف می داند به حدی که قابل توجه نیست.
۸. اگر تلازم در تواتر عقلی نباشد در اجماع هم به طریق اولی نخواهد بود. چون این دو یک نحوه کاشفیت دارند. و کاشفیت تواتر از اجماع بالاتر است. چون اخبار در تواتر حسی هستند و در اجماع حدسی.